



فال حافظ و کارکردهای اجتماعی آن

دکتر مریم محمودی^۱، دکتر ابراهیم انصاری^۲

دکتر اصغر محمدی^۳

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۰۷

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۱۱

چکیده

فال خوانی از دیوان حافظ به عنوان یک رفتار خاص اجتماعی است که در دانش عامیانه یا فولکلور قابل طرح و بررسی است. این سنت اجتماعی در زمان‌ها و مکان‌های مختلف به شکل‌های متفاوتی جلوه‌گر شده است که در همهی موارد حکایت از نیاز انسان به دانستن آینده‌ی مبهم خود دارد. تفال به دیوان حافظ به مثابه یک عنصر فرهنگی نقش مهمی در تلطیف روان فردی و اجتماعی ایفا می‌کند و در واقع از جمله اندوخته‌ها و امکانات و نهادهای فرهنگی است که ریشه در قرن‌ها زندگی مادی و معنوی ایرانیان دارد و توسل به آن در غلبه بر فشارهای روحی و روانی موثر است و به سلامت جامعه کمک می‌کند. برخی از کارکردهای تفال به دیوان حافظ عبارتند از: آرام بخشی، بهبود روحیه‌ی فردی و اجتماعی، کاهش و تسکین آشفتگی‌های روحی و اختلافات جمعی و آینده‌نگری (پیشگویی). روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی و برگرفته شده از روش هرمنوتیک ویلهام دیلتای و ماکس وبر است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات تکنیک اسنادی (بدون عکس‌العمل) شامل دیوان حافظ و دیگر آثار مرتبط با آن می‌شود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تفال به دیوان حافظ به مثابه نمونه‌ای از عوامل فرهنگی، اجتماعی موثر در تنظیم و تعامل روانی - اجتماعی انسان‌ها در تأمین سلامت روانی افراد جامعه موثر است.

کلید واژه: حافظ، کارکرد اجتماعی، روح و روان، جامعه، فال خوانی.

۱- دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، دهقان، ایران. m.mahmoodi75@yahoo.com

۲- دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، دهقان، ایران. e.ansari29@yahoo.com

۳- استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، دهقان، ایران. asghar.mo.de@gmail.com

مشخصه‌ی اصلی است :

- ۱- منش دقیقاً منسجم آن که هم ارز مسائل اجتماعی زمانه است.
- ۲- غنای آن که به حداکثر آگاهی ممکن نویسنده مربوط می‌شود.
- ۳- منش واقعی یا ممکن مجموعه عناصری که اثر را تشکیل می‌دهد. پس اگر دنیای نویسنده شبیه واقعیت زمانه‌ی او نیست آرزوی گروه او را وصف می‌کند.
- ۴- منش غیر فلسفی اثر، چون هر اثر ارجمند راه‌های عملی نشان می‌دهد و به صورت مفاهیم فلسفی بیان می‌شود» (فاضلی، ۱۳۷۴: ۱۲۰).

بنابراین جامعه‌شناسی ادبی یا جامعه‌شناسی در ادبیات روشی مربوط به علم ادبیات یا علم تاریخی - جامعه‌شناسی ادبیات می‌شود که در پی آن است تا بازتاب ویژگی‌های اجتماعی هر دوره‌ی تاریخی را در آثار ادبی بررسی کند. البته در این بررسی آثاری در خور دقت و تاملند که به درستی تصویرگر محیط پیرامون خالق اثر باشند. بدیهی است اثرپذیری از محیط و تاثیر شرایط محیطی بر آثار ادبی همیشه و برای همه یکسان نیست. « این تاثیر ممکن است به **صورت‌های** گوناگون درآید از سازگاری گرفته تا رد و شورش یا ترکیبی از اندیشه‌های برگرفته از این محیط و محیطی دیگر و غیره » (گلدمن، ۱۳۷۶: ۲۴۹).

البته این بدان معنا نیست که آثار ادبی به شکل تام باید بازتاب اوضاع اجتماعی زمان خود باشند. «نقل هنری شرایط و اوضاع با نقل تاریخی آنها متفاوت است. تاریخ نگار آنچه را که می‌بیند یا از طریق مطالعه در می‌یابد به گونه‌ای صریح و گاه با تحلیل‌هایی که برخاسته از تجربیات و **نگرش‌های** تخصصی است بیان می‌دارد... برعکس هنرمند در خلق آثار خود احساسات خویش را بکار می‌گیرد و این احساس می‌تواند تحت تاثیر عواملی گوناگون و از جمله تحت تاثیر آن فضای اجتماعی - سیاسی و دیگر شرایطی قرار گیرد که وی را در خود گرفته است» (وحید، ۱۳۸۷: ۴۷).

۱-۱- بیان مسأله، اهمیت و اهداف آن:

با مطالعه‌ی ژرفانگر و علمی در برخی از آثار ادبی و نظری از جمله دیوان حافظ می‌توان دریافت که بسیاری از متون نثر و نظم در ادب فارسی صرفاً دارای آثار و کارکردهای ادبی، ذوقی و هنری نبوده بلکه در بسیاری از موارد آثار و کارکردهای اجتماعی، فرهنگی، شخصی و... نیز داشته‌اند و این موضوع در اشعار حافظ به وضوح مشهود است. بسیاری از مردم با نگرشی فال‌گرایانه به دیوان حافظ رجوع می‌کنند و شعر او را با مسایل اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی پیوند می‌زنند. با توجه با آنچه گذشت سوال اصلی این پژوهش این است:

کارکردهای اجتماعی فال حافظ چیست؟

موضوع مذکور بنا به دلایل زیر دارای اهمیت است:

نخست: دیوان حافظ یکی از با ارزشترین آثار در ادبیات و سایر حوزه‌ها مانند جامعه‌شناسی ادبیات است.

دوم: مبحث فال و فال‌خوانی در حوزه‌ی ادبیات و جامعه‌شناسی ادبیات قابل طرح و بررسی است.

سوم: بررسی‌های مقدماتی نشان می‌دهد که فال حافظ در لایه‌ها و اقشار مختلف جامعه دارای کارکردهای فراغتی، مذهبی، ملی و ... است.

۱-۲- روش تحقیق:

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی و برگرفته شده از روش هرمونتیک ویلهام دیلتای و ماکس وبر است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات تکنیک اسنادی (بدون عکس‌العمل) شامل دیوان حافظ و دیگر آثار مرتبط با آن می‌شود.

۱-۳- پیشینه‌ی پژوهش:

هرچند در زمینه‌ی تفال به دیوان حافظ آن تاکنون تحقیقاتی صورت گرفته اما

در زمینه‌ی موضوع مورد بحث این نوشتار، پژوهشی انجام نشده است. از مهمترین پژوهش‌هایی که به بحث تفال در دیوان حافظ پرداخته‌اند موارد زیر شایسته‌ی ذکرند:

کتاب "باورهای عامیانه درباره فال حافظ" اثر محمود روح‌الامینی

کتاب "الهاماتی از خواجه حافظ" اثر محمد وجدانی

۲- تفال و طالع‌بینی :

آگاهی از سرنوشت و آینده‌ی مبهم و همت گماشتن و توجه به دانستن فرجام کارها از خصوصیات روحی نوع بشر و خواسته‌ی همیشگی او بوده و برای تحقیق این خواسته به وسایل مختلف متوسل شده و راه‌های گوناگونی را پیموده است. فال زدن از جمله این راه‌هاست. به گمان برخی تفال یا فال زدن راهیابی به دنیای مبهم آینده را میسر می‌کند. در تعریف آن گفته شده « فال عبارت است از نیک و بد و سود و زیانی که وقوعش از شنیدن سخن یا آواز یا از دیدن حرکت یا هیات و یا گشودن و خواندن کتاب و یا ملاحظه‌ی نقوش و اوراقی مخصوص پیش‌بینی می‌شود» (وجدانی، ۱۳۵۱: ۱۰)

اعتقاد به غیب‌گویی و پیش‌بینی از دیر باز در بین مردم جهان و از جمله ایرانیان رواج داشته، در ادبیات فارسی نمونه‌هایی از این اعتقادات منعکس شده است. به عقیده‌ی فرخی سیستانی خداوند کار عالم را براساس فال بنا نهاده است.

کار گیتی همه بر فال نهاده است خدای خاصه فالی که زند چاکر و چون من چاکر (فرخی سیستانی، ۱۳۵۵: ۱۷۳)

توصیه به فال گرفتن نیز شاید براساس همین عقیده است:

کاری که کنی به فال نیکو کن جایی که روی به بخت میمون رو (قطران تبریزی، ۱۳۶۲: ۳۵۶)

البته این اعتقاد نزد همه پسندیده و ممدوح نیست، سنایی بر این باور است که:

سخن فال گون ندارد سود باد پیمود کاسمان پیمود

نیست الا به قدرت یزدان نیک و بد در طبایع گردان
بی‌قضا خلق یک نفس نزنند مرد عاقل چنین جرس نزنند
(سنایی، ۱۳۷۷: ۷۰۴)

و نظامی پناه بردن به فال و استمداد از آن را نشانه عجز آدمی می‌داند:

چو عاجز شود مرد چاره سگال ز بیچارگی در گریزد به فال
کلید آرد از ریگ و سنگی به چنگ که آهن بسی خیزد از ریگ و سنگ
(نظامی، ۱۳۷۸: ۱۰۳۶)

عنصری نیز شرط بی‌نیازی از فال و فالگیری را ایمن بودن شخص بر هنرش می‌داند:

چو مرد بر هنر خویش ایمنی دارد رود به دیده دشمن به جستن پیکار
نه رهنمای به کار آیدش نه اخترگر نه فالگیر به کار آیدش نه خوابگزار
(عنصری، ۱۳۴۱: ۱۰۸)

مردم در طول تاریخ هر نشانه‌ای را که می‌توانسته با دنیای غیب ارتباط داشته باشد منشا فال می‌دانسته‌اند از قبیل حیوانات و پرندگان، اعضا و احشا قربانی، اختلاج، حالات و رفتار انسانی و... فال کتاب نیز یکی از روشهای تفال بوده است. از دیرباز تفال زدن با هر کتابی معمول بوده است و ظاهراً فال زدن به کتاب و دیدن صفحه راست در سده‌های نخستین اسلامی رواج داشته است. از جمله کتابهایی که بیشتر در تفال از آن استفاده می‌شده قرآن، کتاب مشایخ، شاهنامه، مثنوی و دیوان حافظ است. صاحب جواهر جواهر تفال به غیر قرآن را اگر منجر به صدور حکم قطعی و جز می‌نشود جایز می‌داند. (نجفی، بی تا: ۱۳۷)

فال قرآن یا استخاره از مضامینی است که در شعر فارسی بسیار استفاده شده است:

ز بهر روی تو فالی گرفتم از مصحف برآمد آیت طوبی لهم و حسن مآب
(امیر معزی، ۱۳۶۲: ۸۵)

نبود. این سلطنت بی دوام که در دوره‌های بعد همگان آرزوی بازگشتش را داشتند دوره‌ی طلایی اهل ذوق و اندیشه به شمار می‌آمد. دوره‌ای که نفوذ علما و زهاد آزادی عمل مردم را محدود نمی‌کرد. اما افسوس که این دولت مستعجل به زودی به سرآمد و دوره‌ی سخت و سرد حکومت امیر مبارزالدین محمد آغاز شد. حاکمی که با سختگیری‌های خود شایسته‌ی لقب محتسب شده بود. حافظ بروشنی در شعر خود سالهای سیاه و وحشت‌آور این حکومت را ترسیم می‌کند. او خود را در پس چهره‌ی اسطوره‌ای شعرش، رند، پنهان می‌کند تا از محتسب و شحنة در امان باشد زیرا نمی‌تواند تسلیم کسانی شود که قدرت را وسیله‌ای برای خفه کردن وجدان و دین را دامی برای عوام‌فریبی ساخته‌اند. لحن طنزآمیز کلام او نیز برخاسته از تناقض و تضادی است که در اطرافش می‌گذرد. «جامعه‌ی عصر حافظ یکی از بهترین نمونه‌های شکل‌گیری تناقض در ساخت جامعه است و شاید به عنوان نمونه رفتار امیر مبارزالدین را بتوان از بهترین نمونه‌های تجسم این تناقض در بافت جامعه دانست. وقتی این تناقض‌ها با برخوردی هنری چه از سوی عوام و چه از سوی خواص تصویر شود طنز به معنی دقیق کلمه آشکار می‌شود» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۳۰۹).

بعد از امیر مبارزالدین محمد پسرش، شاه شجاع جانشین او شد. او با آن که از فضل و ادب بی بهره بود اما به عربی و فارسی شعر می‌سرود. در زمان حکومتش شیراز فرّ و شکوهی دوباره یافت و اهل علم و فضل آسودگی خاطر یافتند. پس از شاه شجاع، شاه منصور و سپس امیر تیمور به حاکمیت شیراز نائل شدند.

حافظ همه‌ی این حکام و اعمال آنها را از نزدیک دیده و تاثیر اعمالشان را در جامعه مشاهده کرده بود و با اوضاع و احوال آنها آشنایی کامل داشت. سه گروه عمده‌ی اجتماعی با احوال و افکار و رفتار خاصشان بخوبی در شعر حافظ ترسیم شده‌اند. گروه اول حاکمان خودکامه که گاه با رفتاری محتاطانه و به ظاهر مردم‌مدارانه و گاه

مستبدانه و ستمگرانه نمایان می‌شوند. گروه دوم علما، زهاد و فقها هستند که چهره‌ای خوشایند از آنها ترسیم نشده است. گروه سوم صوفیان و درویشان و عارفانند که گاه در اوج و گاه در حضيضند. «حافظ علاوه بر فضل و علمی که داشته از هوش و فکر دقیقی برخوردار بوده و حوادث را درست تحلیل می‌کرده و از همه مهمتر در زمان و در میان جامعه خود زندگی می‌نموده لهذا ریشه‌های حوادث ایام، اعمال قدرتمندان و تغییرات و تبدلات جامعه و عوض و بدل شدن اخلاق عمومی و رفتارهای فردی و روحیات و کیفیات نفسانی مردم، همه و همه را خوب می‌شناخته و با تعبیرات عارفانه‌ی خود به زبان شعر بیان می‌کرده است» (سمیعی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۱۳۳).

۴- کارکردهای اجتماعی فال حافظ

از منظر نظریه‌ی کارکردگرایی و بسیاری از جامعه‌شناسان کارکردگرا از جمله رابرت مرتن پدیده‌های اجتماعی و بالطبع ادبی دارای کارکردهای متعدد آشکار و پنهان و یا مثبت و منفی هستند. (ریترز، ۱۳۷۴: ۱۴۴)

تفأل به دیوان حافظ یک سنت دیرینه و یک پدیده اجتماعی فراگیر در بین ایرانیان است. این عمل را «باید از مراسم گروهی و جمعی شمرد به این معنی که در موقعیت‌هایی چون چهارشنبه سوری، چهارشنبه آخر صفر، شب یلدا، تیر ماه سیزده شو و شب نشینی‌های خانوادگی و دوستانه است که معمولاً از فال خوانی استقبال می‌شود در این گونه مجلس‌ها و مناسبت‌ها تنها صاحب فال نیست که با علاقمندی به فال خوان گوش می‌سپرد بلکه حاضران نیز با کنجکاوی سعی می‌کنند حدس بزنند که نیت صاحب فال چه بوده و با شنیدن غزل استنباط خود را که تصدیق خوب بودن فال است اظهار می‌دارند» (روح الامینی، ۱۳۶۹: ۳۷).

ایرانیان به هنگام فال زدن، دیوان حافظ را در دست می‌گیرند و به بیان این جملات

پسندیده است. در روایات نیز به داشتن «حُسن ظن نسبت به خدا و دیگران» سفارش شده است.

۲-۴- بهبود روحیه‌ی فردی و اجتماعی:

از منظر جامعه‌شناسی ادبیات، هنر و ادب به مثابه یک عنصر فرهنگی نقش مهمی در تلطیف روان فردی و اجتماعی دارد و می‌تواند روحیه‌ی فردی و اجتماعی را در یک دوره‌ی تیره‌ی اجتماعی بالا ببرد که تا حدی بتواند در برابر جو طاق‌شکن سیاسی و اجتماعی تاب آورد و به حیات و موجودیت خویش ادامه دهد.

آن‌چنان که گفته شد حافظ در دورانی پر حادثه می‌زیسته که هر حادثه تأثیر خاص خود را بر جامعه داشته و اوصاف و حالاتی را در نهاد مردمان بر جا گذاشته است. حافظ در قالبی جامعه‌شناسانه و روانکاوانه با مدد گرفتن از دولت قرآن به علل این حوادث و ویژگی‌های فردی مردمان معطوف شده و آن را در اشعارش منعکس ساخته است که قطعاً این ویژگی‌ها و شرایط در هر زمان و مکان تکرار شدنی است. یکی از دلایل مقبولیت و رواج کلام او نیز همین عامل است؛ زیرا از سویی ساختار و شرایط و ویژگی‌های شعری او بی‌نظیر و نادر است و از سوی دیگر روح اشعار او با روح و ذوق و عواطف ناخودآگاه خوانندگان منطبق و پاسخگوی امیال سرکوفته و آرمان‌های تاریخی آنهاست. «معرفت ملی و جامعه‌ای که حافظ مجسم کرده بطوری جاندار و مطابق با حقیقت آمده که امروز هر که بشنود به اشتباه افتاده، گمان می‌کند که گوینده یک شاعر زبردست معاصر است و در طول این مدت همین نکته یکی از علل رواج تفأل از دیوان او بوده و فی‌الواقع در میان هیچ یک از ملل متمدن دنیا چنین شاعر شیرین‌زبانی پیدا نمی‌توان کرد که از ششصد سال قبل راز آحاد و افراد ملتی را در سویدای دلشان خوانده باشد و قلب ایشان را میان دو انگشت خود گرفته هر طوری می‌خواهد بگرداند» (هژیر، ۱۳۸۴: ۲۵). هرچند شعر حافظ فرزند زمان خویش است

معمولا هنگامی مردم به دیوان حافظ روی می آورند که تنشی درون آنها را ناآرام می سازد و دلشوره یا دلواپسی از چیزی بی قرارشان می کند و یا خود را در چنگال یاس و ناامیدی می بینند و یا هنگامی که در جمعی اختلاف رای و عقیده راه به سوی تنش و کشاکش می گشاید که در این مورد به پیشنهاد یک نفر دیوان حافظ گشوده می شود تا هم حرف آخر از زبان او شنیده شود و هم نقطه‌ی پایانی خوش باشد. »

آری چنین نیست که همیشه هر کس هر نیتی بکند غزل موافق با واقع پدید آید و اگر پیشگویی کرده باشد چنان شود و یا دستوری که دهد به نفع شخص باشد. تجربه‌ی این مطلب آسان است و محتاج به استدلال نیست ولی امری که هست آن است که این کتاب بیش از همه‌ی کتب در این امور موافقت نشان می دهد و به قدری مطالب غزلیات منبسط و وسیع است که هر غزل را می توان منطبق بر هزار مقصود و منظور کرد و از آن رو هر کس مقصود خویش را به بیانی وافی در آن می یابد و حتی گاهی اسامی اشخاص نیز پدیدار می شود که طالب اشارت انگشت تحیر به دندان خواهد گزید «(معین، ۱۳۷۰، ج ۲: ۶۹۵).

۴-۴- آینده‌نگری (پیشگویی):

ممکن است بسیاری از ما حالت‌های روحی و حرکات ویژه ای را که افراد در هنگام زیارت مقبره‌ی حافظ و تفرّال به دیوان او دارند مشاهده کرده باشیم؛ حالت روحی خاصی که از نوعی تسلی خواهی، آرامش طلبی و چاره‌جویی برای شنیدن سخنان امیدبخش از زبان حافظ حکایت دارد. در باور عامه حافظ از نیت و نیاز همه خبر دارد. «لسان‌الغیب بودنش هم نه بدان معنی است که از عالم دیگر و ماورای طبیعت خبر داشته و برای مردم روی زمین خبر می آورده بلکه بدان معنی است که از غیب دل‌ها و نهانی‌های روان آدمی آگاه بوده و از دیدنی‌ها و شنیدنی‌های خود به رازهایی پی می برده که دیگران آنها را نمی دیده و نمی شنیده‌اند. مهم‌تر از این بر زبانی

و آنچنان که حافظ خود می‌گوید:

به نام‌ییدی از این در مرو بزن فالی بود که قرعه دولت به نام ما افتد
(حافظ، ۱۳۷۰: ۱۲۶)

با توجه به همین تاثیر روانی فال است که در احادیث به آن توصیه شده است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «من رجعت الطیره عن حاجته فقد اشرك». هر کس که فال بد، او را از انجام کارش باز دارد شرک ورزیده است (قرطبی، ۱۴۱۷، ج ۷: ۱۷۰) و علی (ع) فرموده است: «و الفأل حق، و الطیره ی لیست بحق» (نهج البلاغه: ۴۰۰). در جریان برخورد مسلمانان با کفار مکه هنگامی که سهیل بن عمرو، به عنوان نماینده کفار به سراغ پیامبر آمد و حضرت از نام او آگاه گردید، فرمود: قد سهل علیکم امرکم؛ یعنی از نام سهیل من تفال می‌زنم که کار بر شما سهل و آسان می‌گردد. (میبدی، ۱۳۶۱، ج ۶: ۳۱۷) و بر همین اساس حافظ می‌گوید:

رخ تو در نظر آمد مراد خواهم یافت چرا که حال نکو در قفای فال نکوست
(حافظ، ۱۳۷۰: ۶۵)

برخاست بوی گل ز در آشتی در آی ای نو بهار ما رخ فرخنده فال تو
(همان: ۱۵۳)

مژده دادند که بر ما گذری خواهی کرد نیت خیر مگردان که مبارک حالیست
(همان: ۱۶۲)

بدیهی است که «مدح فال نه از آن کرده‌اند که از او غیب بدانند لکن از آن کرده‌اند که در او حسن ظن است به خدای تعالی و خدای می‌گوید: "انا عند ظن عبدی بی". پس اگر مردی همواره فال نیک زند اگر راست آید فبها و نعمت و اگر در جهت امید به غلط افتد باری در اصل رجای به خدای تعالی مصیب بود» (یواقیت العلوم، ۱۳۴۵: ۳۶۸). بدین ترتیب روشن می‌شود که تفال به دیوان حافظ به عنوان یک رفتار خاص

منابع

۱. نهج البلاغه. (۱۳۷۲). ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
۲. اسکیدمور، ویلیام. (۱۳۷۲). تفکر نظری در جامعه شناسی، ترجمه محمد علی حاضری، تهران: نشر سفیر.
۳. پوینده، محمد جعفر. (۱۳۷۷). درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات، تهران: نقش جهان.
۴. حافظ، شمس‌الدین محمد. (۱۳۷۰). دیوان، تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی، تهران: پژوهش.
۵. خاقانی شروانی، افضل‌الدین. (۱۳۸۲). دیوان، تصحیح ضیاالدین سجادی، تهران: زوار.
۶. خرمشاهی، بهالدین. (۱۳۸۳). حافظ حافظه ماست، تهران: قطره.
۷. روح‌الامینی، محمود. (۱۳۶۹). باورهای عامیانه درباره فال حافظ، تهران: پاژنگ.
۸. ریتزر، جورج (۱۳۷۴). نظریه جامعه‌شناسی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
۹. زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۹). از کوچه رندان، تهران: سخن.
۱۰. سمیعی، کیوان. (۱۳۶۱). تحقیقات ادبی، تهران: زوار.
۱۱. ----- (۱۳۶۷). مجموعه مقالات حافظ‌شناسی، گردآوری سعید نیاز کرمانی، تهران: پاژنگ.
۱۲. سنایی، ابوالمجد مجدود بن آدم. (۱۳۷۷). حدیقه‌الحقیقه و شریعه‌الطریقه، تصحیح مدرس رضوی، تهران: دانشگاه تهران.
۱۳. شفیعی کدکنی، محمد رضا. (۱۳۸۶). زمینه‌های اجتماعی شعر فارسی، تهران: اختران.
۱۴. عنصری، ابوالقاسم. (۱۳۴۱). دیوان، تصحیح یحیی قریب، تهران: انتشارات بانک بازرگانی.
۱۵. فاضلی، نعمت‌الله. (۱۳۷۴). درآمدی بر جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۷ و ۸.
۱۶. فرخی سیستانی، ابوالحسن علی بن جولوغ. (۱۳۴۵). دیوان، تصحیح محمد دبیر سیاقی، تهران: اقبال.
۱۷. فروند، ژولین (۱۳۶۲) آرا و نظریه‌ها در علوم انسانی، ترجمه علی محمد کاردان،

- تهران: نشر دانشگاهی.
۱۸. القرطبی، محمد بن احمد الانصاری (۱۴۱۷) الجامع لاحکام القرآن، لبنان، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ پنجم.
۱۹. قطران تبریزی، ابو منصور. (۱۳۶۲). دیوان، تصحیح محمد نخجوانی، تهران: ققنوس.
۲۰. گلدمن، لوسین. (۱۳۷۶). جامعه، فرهنگ، ادبیات، ترجمه محمد پوینده، تهران: نشر چشمه.
۲۱. معزی، محمد بن عبدالملک. (۱۳۶۲). دیوان، تصحیح ناصر هیری، تهران: مرزبان.
۲۲. معین محمد. (۱۳۷۰). حافظ شیرین سخن، تهران: معین.
۲۳. میبدی، رشیدالدین فضل الله. (۱۳۶۱). کشف الاسرار و عده‌الابرار، تصحیح علی اصغر حکمت، تهران: امیرکبیر.
۲۴. نظامی گنجوی. (۱۳۷۸). کلیات، تصحیح وحید دستگردی، تهران: بهزاد.
۲۵. نجفی، محمد حسن. (بی تا). جواهرالکلام فی شرایع الاسلام، تصحیح عباس قوچانی و علی آخوندی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چ هفتم.
۲۶. وجدانی محمد. (۱۳۵۱). الهاماتی از خواجه حافظ، تهران: حیدری.
۲۷. وحید، فریدون. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی در ادبیات، تهران: سمت.
۲۸. هژیر، عبدالحسین. (۱۳۸۴). حافظ تشریح، تهران: اساطیر.
۲۹. بی‌نام. (۱۳۴۵). یواقیت العلوم، تصحیح محمد تقی دانش پژوه، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.